

برانیسلاو مالینوفسکی

جادو، علم و دین

مترجم:

بهنام خلیلیان - مصطفی آتایی



سرشناسه: Malinowski, Bronislaw مالینوفسکی، برانیسلاو ۱۸۸۴-۱۹۴۲ م

عنوان و پدیدآور:

جادو، علم و دین / برانیسلاو مالینوفسکی، مترجمان بهنام خلیلیان، مصطفی آقایی.

تهران: جامی، ۱۳۹۵.

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

۱۲۰ ص.

978-600-176-128-7

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع:

قوم شناسی - دین.

شناسه افزوده:

خلیلیان، بهنام ۱۳۷۱ - مترجم.

شناسه افزوده:

آقایی، مصطفی ۱۳۷۰ - مترجم.

رده ندی کنگره:

۱۳۹۵ ج ۲ / ۴ GN۳۰۴

هیندی دیویی:

۳۰۶

شماره کتابخانه ملی:

۴۱۷۶۷۲۸



خیابان دادگستر، چهارراه وید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۰۰۲۲۴

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

جادو، علم و دین

برانیسلاو مالینوفسکی

مترجمان: بهنام خلیلیان - مصطفی آقایی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷-۱۲۸-۱۷۶-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 176 - 128 - 7

۹۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	مقدمه مترجمان
۱۱	پیشگفتار
۲۳	سلطه عقلانی انسان بر محیطش
۳۹	زندگی، مرگ و سرنوشت در ایمان و آیین اولیه
۶۴	خصلت عمومی و قبیله‌ای آیین‌های بدوی
۸۶	فنون جادو و قدرت ایمان
۱۱۷	نمایه
۱۱۹	کتابشناسی

مقدمه مترجمان

برانیسلاو میلینوفسکی در سال ۱۸۸۴ در لهستان زاده شد. از همان ابتدا کارنامه تحصیلی دروسانی داشت و در سن ۲۴ سالگی موفق به اخذ مدرک دکترای فلسفه از دانشگاهی در کراکف شد. در این زمان بود که شاخه زوین جیمز فریزر را خواند. عیناً به انسان‌شناسی علاقه‌مند گردید. این علاقه، که بنا بود مسیر زندگی مالی‌نفسکی را تعیین کند، در ابتدا او را به دانشگاه لایپزیگ کشاد. آنجا نیز نظر روان‌شناس پرآوازه ویلهلم وونت و اقتصاددان معروف کارل بوکس به مطالعه پرداخت. از ۱۹۱۰ مالی‌نفسکی در مدرسه اقتصاد لندن (LSE) مشغول به کار خود را ادامه داد.

در سال ۱۹۱۴ زمانی که همراه آر. آر. مارت براز با هم به تحقیقات به‌گینه نو سفر کرده بود، جنگ جهانی اول آغاز شد. در نتیجه او که شهروند امپراتوری اتریش - مجارستان بود، اجازه ورود مجدد به بریتانیا را نیافت. در این هنگام از دولت استرالیا امکانات مالی لازم را برای کارهای تحقیقاتی مد نظرش دریافت کند و کارهای میدانی معروفش را در منطقه گینه نو آغاز نماید. ممنوع‌الورود شدنش به

انگلستان، او را در مسیر اصلی تحقیقات انسان‌شناختی‌اش قرار داده بود. در ۱۹۲۲ پس از بازگشت به لندن، کتاب مشهورش دریاوردان اقیانوس آرام را منتشر کرد. این اثر به شدت مورد توجه جامعه علمی آن زمان قرار گرفت و نویسنده‌اش به جمع چهره‌های طراز اول رشته انسان‌شناسی راه یافت. از آن پس سال‌ها در مدرسه اقتصاد لندن فعالیت کرد و توانست چنان‌که اصلی انسان‌شناسی انگلستان را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد.

مالینوفسکی از دهه ۱۹۳۰ به بعد سفرهای مکرری به ایالات متحده انجام داد. او ابتدا هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی دوم آنجا ساکن شد. از این زمان تا سرگشت در ۱۹۴۲ روی برخی از انسان‌شناسان آمریکایی نیز اثر گذاشت.

اصلی‌ترین ویژگی آثار مالینوفسکی در مطالعه پدیده‌های انسانی عبارت است از تلاش «ما» برای تلفیق یک رویکرد نظری کلی به انسان و جامعه با شناخت دقیق و رجزیات جوامع بدوی مورد علاقه‌اش دارد. رویکرد نظری مالینوفسکی پیچیدگی و غنای زیادی دارد و از برخی جریان‌های فکری مهم اروپایی همان‌طور که مکتب کارکردگرایی در جامعه‌شناسی، عاطفه‌گرایی در مطالعه روان‌کاوی تأثیر پذیرفته است. مالینوفسکی شناخت دقیقش از جوامع بدوی را از مشاهدات میدانی مفصلی که تا آن زمان در انسان‌شناسی کم سابقه بوده به دست آورد. در واقع او سهم عمده‌ای در فراگیر ساختن رویکرد بدوی و بدوی بر مشاهده مشارکت‌آمیز و روشمند در مطالعات انسان‌شناختی دارد.

یکی از ثمرات این روش مبتکرانه کیفیت خاصی است که آثار مالینوفسکی دارند. به بیان رابرت ردفیلد در این آثار «ما» نه با اثبات‌های صوری، بلکه با همراهی کردن مالینوفسکی زمانی که معنا و کارکرد باورداشت‌ها و مناسک را در یک جامعه به تصویر می‌کشد، اقناع

می‌شویم، جامعه‌ای که هرچند با جامعه خودمان تفاوت دارد، در این آثار احساس می‌کنیم که به نحوی شکل دیگری از آن است.^۱ (۱۹۴۸) متون مالدینوفسکی ساختار نظری را به شکلی تنیده در توصیف‌های زنده و گیرا از جوامع جزیره‌نشین اقیانوسیه به خواننده ارایه می‌کنند. این نوشته‌ها تاثیر عمیقی بر مخاطب خود می‌گذارند، چرا که به طور هم زمان از غنای نظری و فراوانی شواهد تجربی و توصیفات واقعی بهره می‌برند.

بنابراین مطالعه متون اصلی مالدینوفسکی به مراتب راهگشاستر از خواندن شرح‌های دست دوم در مورد اندیشه اوست، زیرا نویسندگان این شرح‌ها ناگزیر هستند که به ارایه نظام نظری اندیشه او به همراه چند مثال بسته و گریخته از شواهد تجربی آثار اصلی‌اش اکتفا کنند.^۲ (برای نمونه نگاه کنید به ملکم، ۱۹۹۵).

مالدینوفسکی جادو، علم ر دین را در سال ۱۹۲۵ منتشر کرد، یعنی ۳ سال بعد از انتشار شاهکارش - رمان دانه دانه - دین. مباحث اصلی که در این کتاب مطرح شده با گذشت زمان جایگاه مهمی در مطالعات انسان‌شناختی یافته‌اند. مالدینوفسکی در این نوشته نسبت به آثار طولانی‌ترش صراحت بیشتری در صورت‌بندی و نظرگاهش در مورد مفاهیم کلیدی انسان‌شناسی به خرج داد^۳ و تمایز در دین و دین‌ها را بین جادو و جادو را مشخص نمود. تفکیک این دو، که در عمل اغلب آمیخته به هم ظاهر می‌شوند، از دیرباز یکی از چالش‌های پیش روی انسان‌شناسان و پژوهندگان دین بوده است. تمایز مالدینوفسکی که بر اساس هدف داشتن عمل جادویی و هدف بودن منسک دینی بنا شده با گذشت سال‌ها

همیلتون، ملکم (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، صص ۸۸-۹۸.

2- Malinowski, Bronislaw (1948) Magic, Science and Religion and Other Essays: Robert Redfield's Introduction: pp vii-xii.

همچنان به این بحث مهم جهت می‌دهد و مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع همچنان بخش مهمی از اظهار نظرها درباره ماهیت جادو در پرتو مخالفت یا موافقت با استدلال مالدینوفسکی شکل می‌گیرد. علاوه بر این نباید از اهمیت توجه این کتاب به حضور مستقل فعالیت‌های فنی و تجربی در جامعه بدوی غافل شد. در اینجا مالدینوفسکی از یک طرف در مخالفت با کسانی که انسان اولیه را موجودی می‌دانستند که در اقیانوسی از رانه‌های عاطفی غوطه‌ور است، کاملاً ناتوان از انجام کنش‌های عقلانی و باشا را در حالت پیش‌مانطقی ذهن قرار دارد و از طرف دیگر در رد نظر تکامل‌گرایانی که انسان نخستین را فیلسوف وحشی‌ای تصور می‌کردند که همه تکاپویش به تلاش در جهت کسب علم تجربی قابل تقلیل است، به شکل ماندگاری به ساخت‌های مجزای مهارت‌های فنی و کنش‌های غیرعقلانی در جوامع ابتدایی می‌پردازد. او در میان جزییاتی که از زندگی جزیره‌نشینان نشان می‌دهد مگر فعالیت‌های تخصصی آن‌ها را که حاصل ورزیدگی عملی و آگاهی‌شان از اهمیت تجربه است مشخص می‌کند و نهایتاً به شباهت‌های فنون مالدینوفسکی با تکنولوژی در جوامع مدرن اشاره می‌کند. این تمایز قائل شدن بین فعالیت‌های انسان‌های اولیه هم همچون تفکیک جادو و دین پس از آن‌ها به هیچ روی اهمیت خود را از دست نداده است. از این روی مضمون کتاب جادو، علم و دین اکنون نیز در کانون مباحثات نظری روز قرار دارد.

نکته دیگر این که جادو، علم و دین با وجود حجم کمش برای آشنایی با اندیشه مالدینوفسکی بسیار مناسب است. در زمان نوشتن این کتاب مالدینوفسکی بخش اصلی تحقیقات میدانی مشهورش را به انجام رسانیده بود. از لحاظ فکری هم رد و سبب اصلی نظریه انسان‌شناختی‌اش در این زمان تثبیت شده بود. نتیجه این که این اثر کوتاه تا حد زیادی معرف نظریه

مالینوفسکی است و ضمناً حجم قابل ملاحظه‌ای از شواهد تجربی مربوط به ملانزی را در برمی‌گیرد. خواننده این اثر در عین این که با شگفتی و لذت داده‌های مردم نگارانه‌ای را درمی‌یابد که مربوط به اجتماعاتی بسیار متفاوت از جوامع ما هستند، امکان آن را نیز می‌یابد که با کلیت نظریه یکی از برجسته‌ترین انسان‌شناسان قرن بیستم (و به تعبیری پدر انسان‌شناسی مدرن) درباره پدیده‌هایی که به باور مالینوفسکی وجه مشترک همه جوامع هستند، یعنی دین، جادو و علم، به طور اجمالی آشنا شود.

جا دارد در این جا از راهنمایی‌ها و حمایت‌های ارزنده آقای سامان آزادی و دکتر مهرداد قناری و دکتر مهرداد عربستانی قدردانی کنیم. همچنین از خوانندگانی که با نکته‌سنجی خود ما را از کاستی‌های این ترجمه آگاه می‌سازند پیشاپیش سپاسگزاریم. امیدواریم با ترجمه این اثر توانسته باشیم خدمت کوچکی به علاقه‌مندان انسان‌شناسی کرده باشیم.

پیشگفتار

همه انسان‌ها را به چند گروه تقسیم می‌کنیم: بدوی باشند، دین و جادو دارند. همچنین باید اضافه کرد که هیچ قوم وحشی بدون علم و یا رویکرد علمی وجود ندارد. با این حال چنین چیزی به کرات به آن‌ها نسبت داده شده است. در هر جامعه ابتدایی که مشاهده کردیم، قابل اعتماد و باصلاحیت آن را مطالعه کرده‌اند، دو قلمرو را به وضوح متمایز یافت شده است: مقدس^۱ و نامقدس^۲؛ به بیان دیگر قلمرو دین و جادو و قلمرو علم.

از یک سو اعمال سستی و شعائری وجود دارند که بومیان آن‌ها را مقدس می‌دانند. این اعمال، که با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های رفتاری خاصی مشخص می‌شوند، همراه با تکریم و احترام آمیز به نرس انجام می‌گیرند. چنین اعمال و شعائری یا با باور به نیروهای فراطبیعی مرتبط هستند، چنانکه در جادو، یا با تصوراتی درباره هستی‌ها (ای فراطبیعی)، ارواح، اشباح، نیاکان مرده یا خدایان. از سوی دیگر لحظه‌ای تامل کافیهست تا ببینیم که هیچ مهارت یا صنعتی، هر قدر هم ابتدایی، بدون داشتن توانایی استدلال و دانش مقدماتی و بدون باور به قدرت عقل

ممکن نیست. هیچ صورت سازمان یافته‌ای از شکار، ماهیگیری، کشت و کار یا جست و جوی خوراک بدون مشاهده دقیق فرآیندهای طبیعی و باوری راسخ به نظم آن‌ها، یعنی بدون شکلی اولیه از علم، ایجاد نمی‌شود.

افتخار بنیان نهادن مطالعه انسان شناسانه دین به ادوارد بی. تایلور^۱ اطلاق دارد. او در تئوری مشهورش بیان می‌کند که ماهیت دین اولیه آنیمیسم^۲ یا همان باور به هستی‌های روحانی است. او نشان می‌دهد که چگونه این باور از تفسیر مستمر رویاها، تخیلات، توهمات، حالت‌های خلسه آمیز، پدیده‌های این چنینی ریشه می‌گیرد. با اندیشیدن به این پدیده‌ها فی‌البدن یا خداشناس وحشی^۳ به این سمت سوق داده می‌شود که میان جسم و روح همان قائل شود. سپس وحشی به این نتیجه می‌رسد که روح پس از مرگ باغی از انسان می‌شود چرا که روح در رویاهای زندگان ظاهر می‌شود، در بادها، تخیلات بازماندگان می‌ماند و ظاهراً در سرنوشتشان اثر می‌گذارد. از این مقدمات باور به اشباح و ارواح مردگان، جاودانگی و جهان دیگر ریشه می‌گیرد. انسان به طور کلی و انسان بدوی به طور ویژه تمایل دارد که جهان بیرونی را بر پایه تصویری که از خودش دارد تصور نماید. چون حیوانات، گیاهان و اشیا حرکت، کنش و رفتار دارند، به انسان کمک می‌کنند یا او را آزار می‌دهند، آن‌ها نیز باید دارای روح و روان باشند. در نتیجه آنیمیسم یا همان دین و فلسفه انسان بدوی که از مشاهدات و استنتاجات او ساخته شده، اشتباه است ولی برای یک ذهن ابتدایی و آموزش ندیده پذیرفتنی است.

دیدگاه تایلور درباره دین ابتدایی، با همه اهمیتش، بر پایه داده‌های

1- Edward B. Tylor

2- animism

3- the savage philosopher or theologian

اندکی قرار دارد و انسان نخستین را بیش از اندازه منطقی و متفکر می‌سازد. آخرین تحقیقات میدانی که توسط متخصصان انجام شده، نشان می‌دهد که انسان وحشی بیشتر به ماهیگیری، باغبانی و مراسم و جشن‌های قبیله‌ایش علاقه دارد تا ژرف نگری در رویاها و تخیلاتش و یا تبیین «دوگانه‌ها»^۱ (یعنی جسم و روح) و خلسه‌هایش. همچنین این تحقیقات میدانی جنبه‌های پرشماری از دین اولیه را آشکار کرده‌اند که در طرح آئیمستی تایلور به هیچ عنوان نمی‌گنجد.

دیدگاه عمیق و گسترده انسان‌شناسی مدرن کامل‌ترین بیان خود را در نوشته‌های الهام‌بخش و ربار جیمز فریزر^۲ می‌یابد. در این نوشته‌ها او سه مساله اساسی دین ابتدایی که امروزه انسان‌شناسی را به خود مشغول کرده است مطرح می‌کند: جادو، ارتباط آن با دین و علم، توتیمسم^۳ و جنبه‌های اجتماعی ایمان بدی، آیین‌های باروری و گیاهی^۴. این سه مساله را به ترتیب بررسی خواهیم کرد.

«شاخه زرین»^۵ فریزر که گردآوری و تنظیم آن از جنبه‌های مختلف جادوگری ابتدایی است به روشنی نشان می‌دهد که آئیمسم تنها باور یا حتی اصلی‌ترین باور فرهنگ ابتدایی نیست. انسان‌شناسان پیشتر از هر چیز در پی کنترل مسیر طبیعت برای مقاصد عملی است و با ورود و منسک، باد و آب و هوا و حیوانات و گیاهان را مستقیماً به بیرون از خواست خود وادار می‌کند. مدت‌ها بعد انسان با پی بردن به محدودیت‌های قدرت جادویی خود، با ترس یا امید، فروتنی یا غرور به

1- doubles

2- Sir James Frazer

3- totemism

4- the cults of fertility and vegetation

5- The Golden Bough

هستی‌های برتر که همان نیمه خدایان، ارواح نیاکان یا خدایان هستند روی می‌آورد. فریزر در همین تمایز بین کنترل مستقیم از یک سو و دلجویی از نیروهای برتر از سوی دیگر تفاوت جادو و دین را می‌بیند. جادو بر پایه اطمینان انسان به توانایی خود در کنترل مستقیم طبیعت استوار است. برای این کار تنها لازم است قوانینی را که به صورت جادویی بر دنیا حاکم هستند، بشناسد. از این نظر جادو به علم شبیه است. دین که اعتراف انسان به ناتوانی در برخی عرصه‌هاست او را از مرحله جادویی فراتر می‌برد. آن‌پس دین در کنار علم، که جادو باید به آن تسلیم شود، «استلال خرد را حفظ می‌کند».

این نظر در بار جادو و دین سرآغاز بیشتر مطالعات مدرن درباره این دو موضوع مرتبط به هم است. پروفیسور پروس^۱ در آلمان، دکتر مارت^۲ در انگلستان، ام. ام. هوبرت^۳ و پروس^۴ در فرانسه مستقلاً دیدگاه‌های ویژه‌ای را مطرح کرده‌اند، قسمتی در انتادار فریزر و قسمتی به پیروی از خطوط اصلی بررسی او. این نویسندگان اشاره می‌کنند که هرچند علم و جادو شبیه به نظر می‌رسند با یکدیگر تفاوت‌های ریشه‌ای دارند. علم از تجربه زاده می‌شود ولی جادو از سنت. علم را عقل هدایت می‌کند و مشاهده تصحیح می‌نماید، جادو بی‌اعتنا به هر دوی این‌ها در فضایی رازآلود به بقای خود ادامه می‌دهد. علم همگانی و کالایی مشترک برای کل جامعه است در حالی که جادو حالتی پنهانی دارد که طی مناسک رازآمیز تشرف^۵ آموخته می‌شود و به فرزندان یا حداکثر گروهی از نزدیکان به ارث می‌رسد. علم بر ادراک نیروهای طبیعی تکیه دارد ولی جادو از تصور

1- Pruess

2- Dr. Marett

3- MM. Hubert

4- Mauss

5- Initiation

یک نیروی رازآلود و غیرشخصی که اکثر مردم بدوی به آن باور دارند سرچشمه می‌گیرد. این نیرو در ملانزی مانا^۱ و در قبایل استرالیایی خاصی آروننگ کوئیلثا^۲ و در میان بعضی سرخپوستان آمریکایی واکان^۳ و اورندا^۴ و مانیتو^۵ نامیده می‌شود و در برخی جاهای دیگر نامی برای آن ندارند. این نیرو را به عنوان یک ایده جهانی می‌شناسند که در هرکجا جادو شکرفا شود یافت می‌گردد. به نظر نویسندگانی که از آن‌ها نام بردیم، در میان اکثر مردم ابتدایی باور به نیرویی فراطبیعی و غیر شخصی یافت می‌شود که نیروهای فعال مرتبط با زندگی انسان وحشی را کنترل می‌کند و علت همه اتفاقات مهم زندگی مقدس اوست. در نتیجه مانا و نه آنیمسم است که نسبت اصلی «دین پیش آنیمستی»^۶ را می‌سازد. مانا همچنین ماهیت اصلی جادو است، بنابراین جادو و علم با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند.

در اینجا یک سوال باقی می‌ماند: مانا این نیروی غیر شخصی جادو که آن را حاکم بر باورهای اولیه فرض می‌کنند، چیست؟ آیا این یک ایده بنیادین یا فطری ذهن ابتدایی است یا می‌توان آن را باز هم با عناصر روان شناختی ساده‌تر یا بنیادی‌تر انسان و با واقعیات زندگی می‌کند تبیین کرد؟ پروفسور دورکیم^۷ اصیل‌ترین و مهم‌ترین کمک را به حل این مسائل کرده است. بحث دورکیم به مساله دیگری که فریزر مطرح کرده و در اینجا به آن می‌رسیم نیز مرتبط است: توتیمسم و جنبه‌های جامعه شناختی دین.

توتیمسم به نقل از تعریف کلاسیک فریزر «رابطه نزدیکی است که

1- mana

2- arungquiltha

3- wakan

4- orenda

5- manitu

6- pre-animistic religion

7- Durkheim

فرض می شود بین یک گروه از مردم خویشاوند از یک سو و گروهی از اشیا طبیعی یا مصنوعی از سوی دیگر وجود دارد. این اشیا، توتم آن گروه انسانی نامیده می شوند.^۱ بنابراین توتمیسم دو رویه دارد: یک نوع گروه بندی اجتماعی و نیز یک نظام دینی متشکل از باورها و اعمال. به عنوان دین، توتمیسم علاقه انسان ابتدایی را به محیط پیرامونش و میل او را به خویشاوندی با مهم ترین اشیا و توانایی در اختیار گرفتن آنها نشان می دهد. در صدر این اشیا حیوانات و گونه های گیاهی قرار دارند. پس از آن و به ترتیب اشیا بی جان مفید و خیلی کمتر از آن اشیا ساختگی دست انسان دیده می شوند. معمولاً گونه های گیاهی و جانوری که غذای اصلی انسان را تشکیل می دهند یا به هر ترتیب خوردنی و مفید هستند و یا حیوانات زیست به سکا های گوناگون به عنوان توتم مورد ستایش قرار می گیرند و برای افراد کلان که به آن گونه ها مربوط است تابو قلمداد می شوند. این کلان گاهی مناسب، مراسمی برای افزایش تعداد این گونه ها برگزار می کند. جنبه اجتماعی توتمیسم در طی تقسیم قبیله به زیرگروه های کوچک تر ایجاد می شود که در زبان شناسی کلان، جنت^۲، سب^۳ و فراتری^۴ نامیده می شوند.

در نتیجه توتمیسم، نتیجه گمانه زنی های انسان بدوی درباره پدیده های راز آمیز نیست بلکه اشتیاق او است به کسب فایده از ضروری ترین اشیا اطرافش همراه با نوعی اشتغال خاطر و جرمایی که تخیلات او را برمی انگیزند و توجه او را به خود جلب می کنند مثل پرندگان زیبا، خزندگان و حیوانات خطرناک. با توجه به دانش ما و با توجه

1- clan

2- gentes

3- sibs

4- phratries

به آنچه رویکرد توتمی ذهن^۱ نامیده می شود به نظر می رسد دین ابتدایی به واقعیات زندگی و منافع آنی زندگی عملی نزدیک است تا جنبه های آنیمیستی که تایلور و نخستین انسان شناسان بر آن تاکید کردند.

توتمیسم به وسیله رابطه عجیبی که با این شکل پیچیده گروه بندی اجتماعی یعنی نظام کلان برقرار می کند، به انسان شناسی درس دیگری داد. توتمیسم اهمیت جنبه جامعه شناختی شکل های نخستین آیین های دینی^۲ را آشکار کرده است. وحشی بسیار بیشتر از انسان متمدن به گروهش برای همکاری های عملی و انسجام ذهنی وابسته است. از آنجایی که آیین و منسک اولیه رابطه تنگاتنگی با مقاصد عملی و نیازهای ذهنی دارد (و این در توتمیسم، جادو و بسیاری اعمال دیده می شود) باید رابطه نزدیکی بین نظام اجتماعی و باورهای دینی وجود داشته باشد. رابرتسون اسمیت^۳، پیرو اندام انسان شناسی دینی، این امر را قبل از دورکیم دریافته بود. این اصل رابرتسون اسمیت که دین ابتدایی «امری ضرورتاً اجتماعی است تا فردی» به عبارت پرتکرار^۴ در پژوهش های مدرن تبدیل شده است. پروفیسور دورکیم این دیدگاه را به صورت افراطی چنین بیان می کند: «امر دینی» همان «امر اجتماعی» است. زیرا «جامعه از طریق قدرتی که بر اعضایش اعمال می کند، توانایی لازم را برای برانگیختن احساس الوهیت در ذهن داراست. جامعه برای انباشت هم چون خداوندی است برای پرستندگانش».^۵ پروفیسور دورکیم با مطالعه توتمیسم، که به نظر او ابتدایی ترین صورت دین است، به این نتیجه رسید. بنابراین نظر «اصل توتمی» که با مانا و «خدای کلان یکی است ... هیچ چیز

1- the totemic attitude of mind

2- cults

3- obertson Smith

4- Leitmotiv

5- The Elementary Forms of the Religious Life, p.206

بجز خود کلان نمی‌تواند باشد.^۱

این نتایج مبهم و عجیب در ادامه مورد نقد قرار خواهند گرفت و خواهیم دید حقیقتی که در این نتایج وجود دارد در کدام بخش آن قرار دارد و این بخش به چه اندازه می‌تواند مفید باشد. نتایج دورکیم بسیار مفید بوده است، مخصوصاً به خاطر تاثیر آن بر روی بعضی از مهم‌ترین آثار ترکیبی مطالعات کلاسیک و انسان شناسی. کافیسست به آثار خانم جن هریسون^۲ و آقای کورنفورد^۳ اشاره شود.

موسس مونس مهمی که فریزر به دین شناسی معرفی کرد، آیین‌های گیاهی را باروری بود. در «شاخه زرین» که از منسک پر عظمت و رازآلود خدایان جنگل در نمی‌آغاز می‌شود، فریزر ما را به سفری می‌برد که در طی آن با تعداد زیادی آیین نمایی و جادویی آشنا می‌گردیم. انسان‌ها این آیین‌ها را طراحی کرده‌اند تا تاثیرات باروری آسمان‌ها و زمین و خورشید و باران را برانگیزانند و در اختیار بگیرند. در پایان این سفر پی می‌بریم که دین ابتدایی سرشار از نیروهای تاثیرگذار در زندگی وحشی و آکنده از زیبایی‌های بکر است و شور و قدرتش آنقدر خشن است که هر از چند گاهی به خودکشی مناسک آمیز، یا حتی قربانی کردن خود، می‌انجامد. مطالعه «شاخه زرین» به ما نشان می‌دهد که برای انسان ابتدایی مرگ گامی به سوی رستاخیز، نابودی مرحله‌ای از تبدیل دوباره و فراوانی نعمت در پاییز و کاهش آن در زمستان پیش درآمدی برای حیات طبیعت در بهار است. این نوشته‌های «شاخه زرین» الهام بخش بسیاری از نویسندگان بود که با دقتی بیشتر و تحلیلی کامل‌تر نسبت به خود فریزر

1- Ibid

2- Jane Harrison

3- Cornford

4- wood devinities

5- Nemi

آنچه را می‌توان دیدگاه اصالت حیات در مورد دین^۱ نامید به کمال رساندند. به همین دلیل آقای کراولی^۲ در کتاب «درخت زندگی»^۳ و ام. ون گنپ^۴ در کتاب «مناسک گذر»^۵ و خانم جین هریسون در آثار متعددی، شواهدی ارائه می‌دهند که ایمان و آیین از بحران وجودی انسان سرچشمه می‌گیرند. «وقایع مهم زندگی، تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ... این موضوعات هستند که دین به آن توجه زیادی می‌کند.»^۶ تنش ناشی از نیاز غریزی و تجربیات شدید عاطفی مالا به آیین و باورداشت مذهبی انجامد. «هنر و دین هر دو از آرزوی برآورده نشده سرچشمه می‌گیرند.»^۷ در ادامه ارزیابی می‌کنیم که چه مقدار حقیقت در این عبارت مبهم و چه مقدار اوراق در آن وجود دارد.

در اینجا به دو نکته مهم به نظریه دین ابتدایی اشاره مختصری می‌کنم، زیرا تا حدی بیرون از جریان کلی انسان شناسی باقی مانده‌اند. آن‌ها به ترتیب به تصور ابتدایی یک - ابتدا جایگاه اخلاقیات در دین بدوی می‌پردازند. بی‌توجهی به این دو نظریه عجیب است، زیرا مسائل اساسی آن‌ها اولین و مهم‌ترین پرسش‌های ذهن است که هر دینی را، هرچقدر هم که بدوی باشد، مطالعه می‌کند. شاید این بی‌توجهی ریشه در پیش فرض کلی‌ای داشته باشد که «منشاء» را ساده، خام و متفاوت با «صورت‌های تکامل یافته‌تر» می‌داند، یا این تصور که «وحش» و «اولیه» واقعا وحشی و اولیه است!

1- vitalistic view of religion

2- Crawley

3- Tree of Life

4- M. van Gennep

5- Rites de Passage

6- J. Harrison, Themis, p.42

7- J. Harrison, op. cit. p.44